



ظهور جریان‌های خزانده ادبی

■ **کامران پارسی نژاد**

ادبیات داستانی در سال ۹۴ علی‌رغم سکون و روختی که چندین سال است گرفتارش شده در خفا و به شکلی نامحسوس شاهد رویدادهای غریبی از جمله داستان‌نگارگریز نفوذ بود.

با یک نظر اجمالی به وضعیت ادبیات داستانی در سال ۹۴ به راحتی می‌توان دریافت که حرکت‌های خزانده و قابل‌تعمقی در این سال خاص شکل گرفته است که بی‌شک سال‌های آتی را در این حوزه تحت تاثیر قرار می‌دهد. آنچنان که با راحتی نمی‌توان موقعیت ادبیات داستانی را در سال ۹۵ بطور مثال محک زد. بی‌شک بی‌تدبیری متولیان امور فرهنگی و مسئولین نهادهای فرهنگی دولتی و غیردولتی باعث شده تا جایگاه ادبیات داستانی ناب و اصیل در سال‌های گذشته رو به حسیضی برود. آنچنان که فرصت مناسب در اختیار جریان‌هایی بیفتد که برآن هستند تا تمدن، فرهنگ و ادبیات ناب و اصیل ایرانی را ریشه کن کنند. خلق آثار بسیاری داستان‌های صرفا پدیدار نشده نوسی، پرداختن به ارویتک، مستعجز نویسی، پرداختن به عشق‌های ناشایست و چندی اش اوز محارم با یکدیگر، تلاش برای برهم زدن شالوده و اساس خانواده‌ها، ترویج همجنس گرایی ... نمونه‌ای از جریان خزانده‌ای بود که درسال ۹۴ شکل گرفت. اگرچه تمامی آثاری از این دست توسط اداره کتاب متوقف شده‌اند اما بیم آن می‌رود که در

یک دوره خاص تاریخی و در شرایطی کاملا بحرانی همین آثاری که ظاهرا مجوز

نگرفته‌اند و چه بسا بسیاری هنوز معلق مانده‌اند به ناگاه وارد بازار کتاب بشوند. خلق داستانهای بسیاری در تأیید اهداف و برنامه‌های منافقین و سایر گروهک‌های چپ، تجزیه طلبی، سیاه نمایی در باره وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تخریب ارزش‌های دفاع مقدس... تمامی گواه بر این مدعااست که یک جریان حساب شده خزانده در سال ۹۴ در حوزه ادبیات داستانی شکل گرفته است. متناقضانه با تغییر و تحولاتی که در اداره کتاب بخش میزبانی در اسفند ماه شکل گرفت مشخص نیست تکلیف آثاری از این دست که بسیار زیاد تولید می‌شوند در سال جاری چیست؟ آیا سال ۹۵ گونه آثار تالیفی قرار است مجوز بگیرد؟ جدای از این مسئله در سال ۹۴ بسیاری از سردمداران جریان‌های خاص ادبی خود را به بخش دولتی تحمیل کردند و سعی کردند تا مسیر جریان‌های شکل گرفته در حوزه ادبیات را تغییر بدهند. آنچنان که یکی از نویسندگان جناح‌های خزانده که سال‌ها در نقد نهادهای دولتی قلم فرسایی می‌کرد، این روزها میدان‌دار حرکت‌های دولتی شده و جدای بهره‌مند شدن در امکانات دولتی سعی در تخریب و نابودی برنامه‌های دستگاهها و نهادهای دولتی شده است. وی در مصاحبه‌های خود به صراحت در خصوص جشنواره‌های دولتی صحبت کرده و خبر از ایجاد تحولات بنیادین منطقی با برنامه‌های شیطه روشنفکری داده است. در این میان برخی مراکز ادبی غیردولتی نیز که تحت حمایت مرکزی چون «خات» و «واپ» هستند با دعوت از این افراد در اسکلت بندی سازمان خود عملا شرایطی را مهیا کردند که جریان‌های خاص معترض هم منابع مالی کلان دولت را تصاحب کنند و هم برآن باشند تا تمامی دست آوردهای ادبیات ناب و ارزشمند منطبق با هنجارها و باورهای ملی و دینی را تخریب کنند. در این راستا، هیج رسانه‌ی سازمان و نهادی در ایران وجود ندارد که عملکرد سازمان‌ها و نهادهای و مراکز ادبی تحت حمایت دولت را ارزیابی و رصد کند و در تقابل با برخی جریان‌های خزانده مذکور وارد عمل شود.

رویداد

انتشار **مجدد رمان «اسماعیل»** زنده‌یاد فردی



رمان «اسماعیل» نوشته زنده‌یاد امیرحسین فردی که شرح مبارزات یک جوان و شیفتگی او نسبت به انسانیت، آزادی و اسلام است برای ششمین بار منتشر شد. به گزارش فارس، رمان «اسماعیل» داستان زندگی نوجوانی به همین نام در محله‌های جنوبی تهران است که آشنایی با مبارزان انقلابی زندگی او را دچار تحولی شگرف می‌کند و پایانی عجیب را برای وی رقم می‌زند. پایانی که به قول نویسنده فقیدش با هیبوط اسماعیل در جلد دوم این رمان کامل می‌شود.

احمد شاکری نویسنده، پیش‌تر درباره رمان «اسماعیل» گفته بود: «اسماعیل»، از معدود رمان‌های مسلمانی درباره انقلاب است و این رمان و شخصیت اول آن، بی‌انگار شخصیت امیرحسین فردی است. شاکری دلیل عمیق نشدن حوزه‌های فکری انقلاب در رمان را، سطح نازل شخصیت‌های رمان که عادی و غیرمتفکر هستند می‌داند و اعتقاد دارد شخصیت‌های آن، بی‌انگار چند بعدی بودن واقعیت انقلاب نیستند.

همچنین منیره آرمن، نویسنده درباره این رمان می‌گوید: یکی از ویژگی‌های رمان «اسماعیل»، زبان صمیمی است و به نظر من، نویسنده با این زبان صمیمی توانسته است سلسله وقایع را به خوبی پیش ببرد. نویسنده، یکی از وقایع اتفاق افتاده در انقلاب را به صورت زیبا به ثبت رسانده و این به نظر من با ارزش است. گفتنی است، الکساندر آندونشکین ترجمه روسی این اثر را انجام داده که با شمارگان ۳ هزار جلد توسط انتشارات «ایستوک» به مسکو منتشر شده است. نسخه انگلیسی این رمان هم به همت پال اسپراکمن در آمریکا ترجمه و منتشر شده است.

شاعر «با علی گفتیم و عشق آغاز شد» میهمان «شب شاعر» می‌شود

بیست و چهارمین «شب شاعر» پاسداشت محمود اکرامی فر برگزار می‌شود. محمود اکرامی‌فر سراینده شعر مشهور «با علی گفتیم و عشق آغاز شد» است که تاکنون فعالیت‌های بسیاری در حوزه ادبیات داشته است. اکرامی‌فر متولد سال ۱۳۳۸ در روستای جوشان اسفراین (خراسان شمالی) است.



وی دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران است و پس از اخذ دانشگاه‌های کارشناسی ارشد خود از دانشگاه آزاد اسلامی به تاجیکستان رفت و دکتری ادبیات فارسی را در رشته مردم‌شناسی از آکادمی علوم این کشور دریافت کرد.

کردن کم از زویی نیست»، «ما با سلیقه مردم پیر می‌شویم»، «بهاران‌ها»، «این کتاب اسم ندارد»... و عتاوین بعضی از کتاب‌های اوست.

اکرامی فر بیشتر به عنوان شاعر، نویسنده و روزنامه نگار شناخته می‌شود و دبیری دومین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر، داوری جشنواره‌های مختلف و مجری گری برنامه‌های ادبی نیز در لیست فعالیت‌های وی دیده می‌شود.

دکتر محمود اکرامی‌فر سابقه همکاری با موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در زمینه شرکت در شب‌های شعر «ملکوت هشتم»، «نگین نبوت»، «در سوگ انقاب» و ... را دارد.

بیست و چهارمین «شب شاعر» ویژه پاسداشت محمود اکرامی فر یکشنبه ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۱۷ در سازمان هنری رسانه‌ای آوج برگزار می‌شود.

»

تاملی بر کتاب «داستان راستان» – به مناسبت ۱۲ اردیبهشت سالگرد شهادت استاد مطهری

الگوی مطهر ادبیات عدالت‌خواه

■ **آرش فهیم**

تصرفات روایی داستان‌ها به گونه‌ای اعمال شده‌اند که تاثیر درگرفتن مباحثت و نظرات مختلف در حوزه ادبیات انقلاب، هنوز چارچوب نظری و الگوی عملی متعینی در این زمینه پدیدار نشده است. این در حالی است که رشد ادبیات و عشق‌های ناشایست و چندی اش اوز محارم با یکدیگر، تلاش برای برهم زدن شالوده و اساس خانواده‌ها، ترویج همجنس گرایی ... نمونه‌ای از جریان خزانده‌ای بود که درسال ۹۴ شکل‌گرا در ابتدای قرن بیستم، سینمای شوروی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ نمی‌توانست قد علم کند. بسیاری معتقدند که جریان موج نوی سینمای فرانسه تحت تأثیر «گرامول» به عنوان بیانیه مکتب رمانتیسوم در عرصه ادبیات داستانی محسوب می‌شود. اما به وقوع مکتب ادبیات انقلاب در کشور ما با هنوز حرکتی که به وقوع مکتب ادبیات انقلاب اسلامی بینجامد به طور جدی و علمی صورت نگرفته است. هرچند که در چهار دهه گذشته، نویسنده‌هایی تلاش کردند تا آثاری را با درونمایه ملمه از جهان‌بینی و نگرش اجتماعی و سیاسی انقلاب، خلق کنند. البته قیل از انقلاب هم تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، از جمله کتاب مجموعه قصه «داستان راستان» نوشته شهید مطهری که یکی از آثار مهم و ماندگار در پهنه ادبیات معاصر ایران است. هرچند که نقادان و تحلیلگران این عرصه آنچنان که باید و شاید به این اثر ادبی نپرداخته‌اند. اهمیت مسئله این قابل توجهی برای دست‌یابی به الگوی برخی ادبیات اجتماعی، با پشتوانه دینی است.

این کتاب مجموعه ۱۲۵ قصه کوتاه است که در دو جلد توسط استاد مطهری به رشته تحریر درآمده بود. جلد اول برای نخستین بار در سال ۱۳۳۹

با گذشت حدود چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و درگرفتن مباحثت و نظرات مختلف در حوزه ادبیات انقلاب، هنوز چارچوب نظری و الگوی عملی متعینی در این زمینه پدیدار نشده است. این در حالی است که رشد ادبیات و عشق‌های ناشایست و چندی اش اوز محارم با یکدیگر، تلاش برای برهم زدن شالوده و اساس خانواده‌ها، ترویج همجنس گرایی ... نمونه‌ای از جریان خزانده‌ای بود که درسال ۹۴ شکل‌گرا در ابتدای قرن بیستم، سینمای شوروی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ نمی‌توانست قد علم کند. بسیاری معتقدند که جریان موج نوی سینمای فرانسه تحت تأثیر «گرامول» به عنوان بیانیه مکتب رمانتیسوم در عرصه ادبیات داستانی محسوب می‌شود. اما به وقوع مکتب ادبیات انقلاب در کشور ما با هنوز حرکتی که به وقوع مکتب ادبیات انقلاب اسلامی بینجامد به طور جدی و علمی صورت نگرفته است.

هرچند که در چهار دهه گذشته، نویسنده‌هایی تلاش کردند تا آثاری را با درونمایه ملمه از جهان‌بینی و نگرش اجتماعی و سیاسی انقلاب، خلق کنند. البته قیل از انقلاب هم تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، از جمله کتاب مجموعه قصه «داستان راستان» نوشته شهید مطهری که یکی از آثار مهم و ماندگار در پهنه ادبیات معاصر ایران است. هرچند که نقادان و تحلیلگران این عرصه آنچنان که باید و شاید به این اثر ادبی نپرداخته‌اند. اهمیت مسئله این قابل توجهی برای دست‌یابی به الگوی برخی ادبیات اجتماعی، با پشتوانه دینی است.

این کتاب مجموعه ۱۲۵ قصه کوتاه است که در دو جلد توسط استاد مطهری به رشته تحریر درآمده بود. جلد اول برای نخستین بار در سال ۱۳۳۹



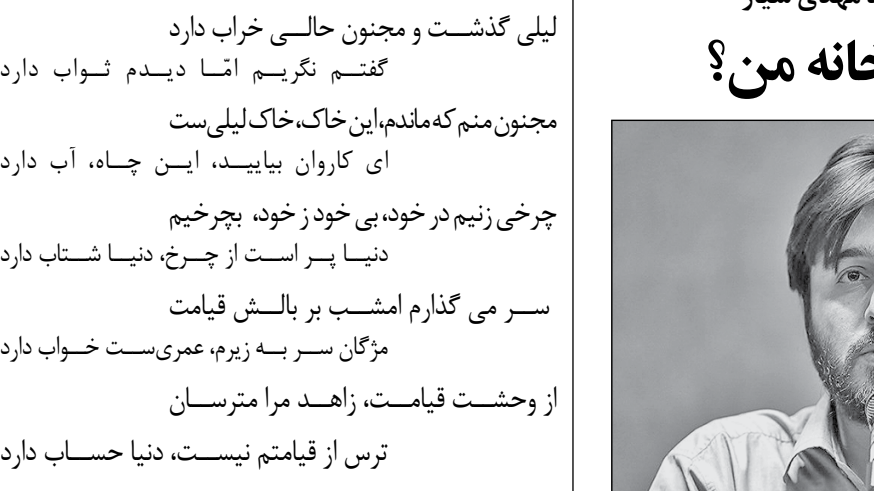
یله کن باز نظر را که غزالی بزند
علی محمد مودب
یله کن باز نظر را که غزالی بزند
دلی از عاشق در حال زوالی بزند
می‌زند تن به قفس، گفت‌ر دل تا بپرد
دور گلدستهٔ قعدت پر و بالی بزند
با نگاه تول سوخته، ماهی شده تا
غوطه در صحن چنین آب زلالی بزند
چون شود روی تو بر دیدهٔ مخمور حرام
بی‌مرام است اگر لب به حاللی بزند
دل آهوی مرا عاقبت آزاد کند
چه کند؟ خوش‌تر از این قصه مثالی بزند



داستان‌ها و رهنما بودن محتوای کتاب به درستی است. سبک نگارش مجموعه داستان‌های کتاب به این ترتیب است که به ترجمه صرف احادیث یا روایات تاریخی پرداخته نشده، بلکه روایات، تا جایی که واقعیت داشته است؛ مثلا آغاز و پایان داستان‌ها متفاوت شده است. اما همه

داستان‌ها و رهنما بودن محتوای کتاب به درستی است. سبک نگارش مجموعه داستان‌های کتاب به این ترتیب است که به ترجمه صرف احادیث یا روایات تاریخی پرداخته نشده، بلکه روایات، تا جایی که واقعیت داشته است؛ مثلا آغاز و پایان داستان‌ها متفاوت شده است. اما همه

داستان‌ها و رهنما بودن محتوای کتاب به درستی است. سبک نگارش مجموعه داستان‌های کتاب به این ترتیب است که به ترجمه صرف احادیث یا روایات تاریخی پرداخته نشده، بلکه روایات، تا جایی که واقعیت داشته است؛ مثلا آغاز و پایان داستان‌ها متفاوت شده است. اما همه



لیلی گذشت و مجنون حالی خراب دارد
گفتم تگریم اما دیدم ثواب دارد
مجنون منم که ماندم، این خاک، خاک لیلی‌ست
ای کاروان بیابید، این چاه، آب دارد
چرخی ز نیم در خون، بی خود ز خود، بچرخیم
دنیا پر است از چرخ، دنیا شتاب دارد
سر می گذارم امشب بر بالش قیامت
مژگان سر به زیرم، عمری‌ست خواب دارد
از وحشت قیامت، زاهد مرا مترسان
ترس از قیامت نیست، دنیا حساب دارد

دعا کن ...!

زود بیدار شدم تا سر ساعت برسم

باید این بار به غوغای قیامت برسم

من به «قد قامت» باران نرسیدم،ای کاش

لا اقل رکعت آخر به جماعت برسم

آه، مادرا مگر از من چه گناهی سر زد

که دعا کردی و گفتی به سلامت برسم؟

طمع بوسه مدار از لب‌های چشمه که من

نذر دارم لب تشنه به زیارت برسم

سیب سرخی سر نیزه ست...دعا کن من نیز

این چنین کال نمانم به شهادت برسم

میان خویش و دیگری معترض می‌شود. تمایز میان خرافات و سنت‌های جاهلانه با رفتار که در منابع ثبت شده‌اند وارد نشود. همچنین قصه‌ها با شرح و توصیف، پرورش ادبی یافته‌اند؛ اما این توصیفات طوری نیستند که اضافی یا خوش به نظر برسند، بلکه برای تکمیل روایات و درک بهتر مخاطب استفاده شده‌اند.

توصیفات روایی داستان‌ها به گونه‌ای اعمال شده‌اند که تاثیر درگرفتن مباحثت و نظرات مختلف در حوزه ادبیات انقلاب، هنوز چارچوب نظری و الگوی عملی متعینی در این زمینه پدیدار نشده است. این در حالی است که رشد ادبیات و عشق‌های ناشایست و چندی اش اوز محارم با یکدیگر، تلاش برای برهم زدن شالوده و اساس خانواده‌ها، ترویج همجنس گرایی ... نمونه‌ای از جریان خزانده‌ای بود که درسال ۹۴ شکل‌گرا در ابتدای قرن بیستم، سینمای شوروی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ نمی‌توانست قد علم کند. بسیاری معتقدند که جریان موج نوی سینمای فرانسه تحت تأثیر «گرامول» به عنوان بیانیه مکتب رمانتیسوم در عرصه ادبیات داستانی محسوب می‌شود. اما به وقوع مکتب ادبیات انقلاب در کشور ما با هنوز حرکتی که به وقوع مکتب ادبیات انقلاب اسلامی بینجامد به طور جدی و علمی صورت نگرفته است.

هرچند که در چهار دهه گذشته، نویسنده‌هایی تلاش کردند تا آثاری را با درونمایه ملمه از جهان‌بینی و نگرش اجتماعی و سیاسی انقلاب، خلق کنند. البته قیل از انقلاب هم تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، از جمله کتاب مجموعه قصه «داستان راستان» نوشته شهید مطهری که یکی از آثار مهم و ماندگار در پهنه ادبیات معاصر ایران است. هرچند که نقادان و تحلیلگران این عرصه آنچنان که باید و شاید به این اثر ادبی نپرداخته‌اند. اهمیت مسئله این قابل توجهی برای دست‌یابی به الگوی برخی ادبیات اجتماعی، با پشتوانه دینی است.

این کتاب مجموعه ۱۲۵ قصه کوتاه است که در دو جلد توسط استاد مطهری به رشته تحریر درآمده بود. جلد اول برای نخستین بار در سال ۱۳۳۹

با گذشت حدود چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و درگرفتن مباحثت و نظرات مختلف در حوزه ادبیات انقلاب، هنوز چارچوب نظری و الگوی عملی متعینی در این زمینه پدیدار نشده است. این در حالی است که رشد ادبیات و عشق‌های ناشایست و چندی اش اوز محارم با یکدیگر، تلاش برای برهم زدن شالوده و اساس خانواده‌ها، ترویج همجنس گرایی ... نمونه‌ای از جریان خزانده‌ای بود که درسال ۹۴ شکل‌گرا در ابتدای قرن بیستم، سینمای شوروی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ نمی‌توانست قد علم کند. بسیاری معتقدند که جریان موج نوی سینمای فرانسه تحت تأثیر «گرامول» به عنوان بیانیه مکتب رمانتیسوم در عرصه ادبیات داستانی محسوب می‌شود. اما به وقوع مکتب ادبیات انقلاب در کشور ما با هنوز حرکتی که به وقوع مکتب ادبیات انقلاب اسلامی بینجامد به طور جدی و علمی صورت نگرفته است.

هرچند که در چهار دهه گذشته، نویسنده‌هایی تلاش کردند تا آثاری را با درونمایه ملمه از جهان‌بینی و نگرش اجتماعی و سیاسی انقلاب، خلق کنند. البته قیل از انقلاب هم تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت، از جمله کتاب مجموعه قصه «داستان راستان» نوشته شهید مطهری که یکی از آثار مهم و ماندگار در پهنه ادبیات معاصر ایران است. هرچند که نقادان و تحلیلگران این عرصه آنچنان که باید و شاید به این اثر ادبی نپرداخته‌اند. اهمیت مسئله این قابل توجهی برای دست‌یابی به الگوی برخی ادبیات اجتماعی، با پشتوانه دینی است.



یله کن باز نظر را که غزالی بزند
علی محمد مودب
یله کن باز نظر را که غزالی بزند
دلی از عاشق در حال زوالی بزند
می‌زند تن به قفس، گفت‌ر دل تا بپرد
دور گلدستهٔ قعدت پر و بالی بزند
با نگاه تول سوخته، ماهی شده تا
غوطه در صحن چنین آب زلالی بزند
چون شود روی تو بر دیدهٔ مخمور حرام
بی‌مرام است اگر لب به حاللی بزند
دل آهوی مرا عاقبت آزاد کند
چه کند؟ خوش‌تر از این قصه مثالی بزند



نکته همیشه مغفول

■ **پژمان کربمی**

وقتی واژه «نفوذ» و گزاره‌های مربوط بدان شنیده می‌شود، بطور معمول و مرسوم، چنین مطلب و نمایی در ذهن انسان شکل می‌گیرد و می‌نشیند:

«فردی یا مجموعه‌ای از افراد داخلی و خارجی با انسجام و بر پایه ی نقشه‌ای حساب شده، در حالت غفلت برخی یا نظامی سیاسی، با استفاده از موقعیت و مهارت خود، به درون کشور، تشکیلات، نهاد و گروهی وارد می‌شوند و مضع نامشروع و غیرقانونی خود را تعقیب می‌کنند و ضربه می‌زنند.»

تداعی و تکرار این مطلب در ذهن بحالت و فضای رموز و رمزب انگیزی را به پهنه اندخان سلامت، حاکم می‌کند و در امتداد آن، انسان به موضع هشپاری و تدافع مایل می‌شود. به تحركات مشکوک می‌گردد و با احتیاط نسبت به حفظ اسرار و بستن مجاری نفوذ گام برمی‌دارد.

اسا در این بین و در جامعه ی دینی ما، نکته‌ای مهم وجود دارد که اگر نگوئیم یک «کل»، و بر پایه یک نقشه حساب شده عمل می‌کنند. اما آیا همیشه همین قاعده قابل تصور است؟ یعنی همواره صاحبان و بانان نفوذ منتسب به یک جریان و



طیف وسازمان و دولت خاص هستند که با طراحی و هدف مند و با حمایت داخلی و بیرونی وارد عرصه ی تقلیل و تقابل و ضربه زدن می‌شوند؟

قطعا چنین نیست!
الزاما نفوذ از ماهیت تشکیلاتی برخوردار نیست وحتما معطوف به اهداف کلان جمعی معنا نمی‌شود.

یک مسئله ی ساده در میان است که شاید به دلیل سادگی و ابتدال نادیده گرفته می‌شود و از دیدگان پنهان می‌ماند.

خیلی از انسان‌ها بنا به میل منحوس فرزون طلبی و خودخواهی، به رنگ و جلدهای گوناگون می‌روند. صورتی از نفاق می‌یابند و زیر کانه به درون نهادهی نفوذ می‌کنند تا به تعبیر عوام؛ «بار خود ببینند» چنین منافقانی که قطعا ماهیت پلید و شیطانی دارند هیچ وقت و در هیچ مکانی، منشا عمل صالح و معطوف به منافع عمومی نیستند. آنها «نفوذی» را رقم زده‌اند که اگرچه انگیزه و هدف آن، محدود به منافع شخصی است اما نتایج آن به همان اندازه ی نفوذهای تشکیلاتی سیاه و فاقه‌آمیز حاصله و قلمداد می‌شود.

یک به اصطلاح شاعر که همه دغدغه‌اش رنگبامه نفسانی دارد، برای تحصیل مطلوب‌های نفسانی، وارد حیطه تصمیم‌سازی «فرهنگی – ادبی» می‌شود. شاید برای حفظ موقعیت خود، چند تصمیم خوب هم بگیرد تا همچنان عنان مستولیّت به کف او بجا و وسعت بهره مندی‌های مسادی او برقرار ماند. اما قطعا مجموعه زیر منابع مدیریت و تصمیم‌سازی‌های خود را به سمت و سویی هدایت می‌کند که به سبب نامشروع وی آسیب نزنه و میدان عمل وی محدود نشود. مثلا طرفی از از نیروهای دیندار خالی می‌کند تا زیر سایه ی نظارت معنهدانه تفرک گیرد. افراد دست عنصر و بی‌مایه را مستولیّت می‌دهد تا راحت مدیریت شان کنند. بار تمهد کاری را زمین می‌گذارد چون انگیزه عمل به تمهد ندارد. کار ماندگار نمی‌کند زیرا مقطعی نگاه می‌کند و تصمیم می‌گیرد، تر پروراست. نسبت به بهره مندی دیگران از مواهب کار معنهدانه بخل می‌ورزد. نسبت به آینده ی دیگران بی‌تفاوت است. تنها مصلحت کشی را خط قرمز می‌پندارد! تا کار آمدی را به بخشی از حاکمیت دینی تحمیل می‌کند. می‌بیند... در جامعه‌ای دینی، یک تصمیم‌ساز نفس پرست می‌تواند نفوذ نفوذ می‌کند و ضربه‌هایی وارد کند که مجموعه‌های سازمان یافته، با طرح و نقشه قبلی، در پی آن همان نتایج و ضربه‌ها است...غیر از این است؟!

شاعران و نویسندگانی هستند که به واقع هیچ نسبتی با دستگاه‌های اطلاعاتی و ادبیتی خارجی و این و آن دولت دور و نزدیک فرامرزی ندارند.در پی مبارزه با نظام دینی هم بر نیامده‌اند اما نفوذ و گام گذاشتن آنها در محنه‌های تصمیم‌سازی، زمینه گسترش ارزشهای اهلپی، راه تحقق سیاستهای کلان فرهنگی انقلاب و نظام اسلامی و بر کشیده شدن عناصر متدن بر اسد می‌کنند و مانع می‌شوند.

نگارنده بر آن است که دستگاه اطلاعاتی و امنیتی و در مجموع همه ی کسانی که تگران منافع ملی و ارزشهای الهی‌اند باید به نفوذ در هر گونه‌اش، حساسیت به خرج دهند.

در این مسیر قطعا ملامت بسیار است.چه از طرف دوستان ناگاه و چه از طرف دشمنانی که می‌دانند چه می‌کند و نقطه غایبی و مطلوبش چیست و برخی شان نفوذی‌اند.

دوستان می‌گویند:
فلائی را می‌شناسند، تنها یک هنرمند است و اندیشه را نباید طرد کرد. فلائی با سیاست بیگانه است. فرهنگ و سیاست را نباید هدف کار اطلاعاتی و امنیتی قرار داد. و قس علی هذا!

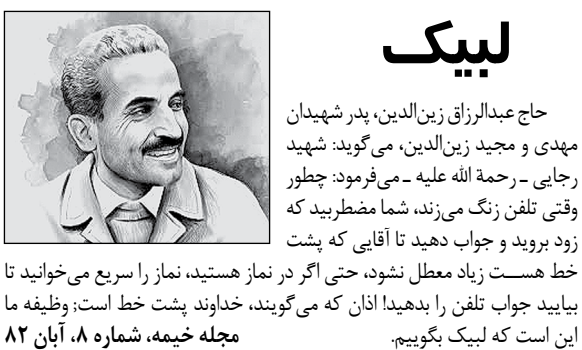
این ملامتگران گاه چنان اسیر حجاب مهر و عاطفه و اعتماد به دوستان و هم سالکان خود می‌شوند که بدیهی‌ترین ملاحظات عقلانی را فراموش می‌کنند. این هم دردی است بزرگ و شگفتا!

راستش وقتی مدتی پیش نامه ی نویسنده گرامی و برادرم جناب «احمد شاکری» را درباره خطر نفوذ سکولارها به یک دفتر ادبی خواندم، تگران شدم و در واقع خواستم تکمله‌ای را بدان نامه در خور تأمل، اضافه کنم.

بپذیریم که بدیده‌ه نفوذ بخصوص در میان «فرهنگی» اتفاق دپروز و امروز نیست. از همان روزهای نخست شکل گیری نهضت انقلاب اسلامی، نفوذ تشکیلاتی و غیرتشکیلاتی دنبال شده است. از این رو نفوذ را محدود به یک قسم و یک طرف زمانی مشخص و یک بعد خاص، محدود و خلاصه نپنداریم و در هر جا و هر موضع که هستیم «مانع» نفوذ شویم.

کارشناسان سیاسی بر آنند که؛ «خطر نفوذ فرهنگی کمتر از نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی نیست. نفوذ از جنس فرهنگ است که روزنه و گستره نفوذ در عرصه‌های دیگر را موجب می‌شود.»

قاب



حاج عبدالرزاق زین‌الدین، پدر شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین، می‌گوید: شهید رجایی -رحمه الله علیه - می‌فرمود: چطور وقتی تلفن زنگ می‌زند، شما مضرطید که روز بروید و جواب دهید تا آقایی که پشت

خط هست زیاد مظل نشود، حتی اگر در نماز هستید، نماز را سریع می‌خوانید تا بیاید جواب تلفن را بدهید! آان که می‌گویند: خداوند پشت خط است؛ وظیفه ما این است که لبیک بگوییم.

حاج عبدالرزاق زین‌الدین، پدر شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین، می‌گوید: شهید رجایی -رحمه الله علیه - می‌فرمود: چطور وقتی تلفن زنگ می‌زند، شما مضرطید که روز بروید و جواب دهید تا آقایی که پشت خط هست زیاد مظل نشود، حتی اگر در نماز هستید، نماز را سریع می‌خوانید تا بیاید جواب تلفن را بدهید! آان که می‌گویند: خداوند پشت خط است؛ وظیفه ما این است که لبیک بگوییم.

مجله خیمه، شماره ۸، آبان ۸۲

مجله نهال انقلاب، شماره ۲، دی ۸۵